

نویسنده : اندرو باسویچ
منبع و تاریخ نشر : تام دسپیچ «2021-09-30» .
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

خیلی طولانی ، سند کم ، ورهایی خوب So Long, CENTCOM, and Good Riddance ,



جنگهای گرم و داغ قدیمی یا حتی جنگهای سرد جدید را فراموش کنید - هوا به وضوح در حال تغییر است. در واقع ، بر اساس یک مطالعه جدید ، در گردن من یا در نزدیکی من در جنگل ، ساحل شمال شرقی ایالات متحده ، گرم شده است نه تنها بیش از (1.5) درجه سانتیگراد که در توافق آب و هوایی پاریس در مورد آن هشدار داده شده بود ، بلکه در دمای گذشته (2) درجه سانتیگراد بیش از حد گرم شده است . قرن در واقع ، اواخر سپتامبر است و در مطب کوچکم ، همچنان دارم این مطلب را می نویسم . بنابراین ، بسیار مفید است که قبلاً حداقل 8 تریلیون دلار از مالیات مودیان خود را هدر داده ایم ، نه در جنگ با "جنگ" واقعاً در دست ، "تهاجم" به آب و هوای یک بار باور نکردنی که در بسیاری از کشورها در حال سوختن ، جاری شدن سیل و طوفان است . ارتشهای متجاوز (همانطور که در بسیاری از نقاط دیگر جهان نیز صادق است) اما در "جنگهای ابدی" ناامید کننده و اشنگتن. تحت این شرایط ، حملات بر افغانستان یا عراق ، دست کم از دست دادن نیروی هوایی آمریکا بیشتر در خاورمیانه بزرگ و

بخشهایی از آفریقا از نظر آن عبارت کلاسیک "دفاع ملی" به چه معنا بود؟ در گذشته ، من جرات می کنم بگویم ، بسیار کم است. در حقیقت ، همانطور که **اندرو باسویچ** ، در TomDispatch ، نویسنده کتاب پس از آخرالزمان: نقش آمریکا در جهان متحول شده (کتابی که واقعاً سیاره ای را که اکنون در آن قرار داریم را درک می کند) نشان می دهد جنگهای همیشگی ما در دو دهه گذشته به معنای واقعی کلمه قابل دفاع نبودند. حتی اگر آنها توسط نهادهای اداره می شدند ، آمریکایی ها هنوز "وزارت دفاع" می نامند .

از نظر یک **مجتمع نظامی-صنعتی** که هرگز به ارتفاع بالاتری نرسیده است ، **باسویچ** آنچه را که ممکن است به عنوان "پیشنهاد معتدل" برای شروع برخورد با جهان نظامی بسیار بی حیا آمریکا در نظر گرفته شود ، ارائه می دهد. **تام دسپیچ**

«یک اشتباه وحشتناک»:

بهبودی از توهمات امپراتوری آمریکا

اخبار بد ناشی از تخلیه برنامه ریزی نشده و مدیریت نامناسب ایالات متحده از پایتخت افغانستان همچنان در حال ورود بود. واشنگتن پست این را در سوت زدن فاجعه نهایی به این شکل بیان کرد: "ارتش ایالات متحده "اشتباه هولناک" را در حمله هواپیماهای بدون سرنشین کابل که منجر به کشته شدن 10 افغان شد ، پذیرفت ."

در پی حمله تروریستی 26 آگوست در خارج از فرودگاه بین المللی **حامد کرزی** که جان 13 سرباز آمریکایی و ده ها تماشاچی افغان را گرفت ، نیروهای آمریکایی برای جلوگیری از هرگونه تکرار اقدام کردند. افسوس ، تلاشها برای جلوگیری از تلفات بیشتر ایالات متحده منجر به کشته شدن بیگناهان ، از جمله هفت کودک افغان شد. "اشتباه هولناک" توصیف وزیر دفاع **لوید آستین** از مرگ آنها بود .

نتیجه آن چیزی نبود که ژنرال **کنت اف مک کنزی** ، **جونیور** ، رئیس فرماندهی مرکزی ایالات متحده (CENTCOM) در نظر داشت. **مک کنزی** به اعتبار خود اذعان کرد که "مسئول کامل این اعتصاب و نتیجه غم انگیز آن است". ژنرال چهار ستاره تفنگداران دریایی یک قدم جلوتر رفت. وی در یک بیانیه ضبط شده ویدئویی ، اندوه "عمیق خود را به خانواده و دوستان کشته شدگان تسلیت گفت ."

درک احساس پشیمانی **مک کنزی** به اندازه کافی آسان است. چه کسی از این که چنین خطای تحقیرآمیز پایان یک جنگ بیست ساله ناموفق را رقم بزند - حتی که بگونه مضطرب - احساس ناراحتی نمی کرد؟ و درست در حالی که عمو سام در حال لنگ زدن به سمت خروجی بود ، با این امید که بتواند با کمی حرمت از خانه خارج شود ، خود **فورچون** ظاهراً آخرین ضربه بلاعوض ، آخرین توهین به بزرگترین ارتش خودخوانده روی کره زمین را از دست داد .

اما در این زمینه خاص ، عبارت "کاملاً مسئول" حتی به چه معناست؟ آیا تصدیق مک کنزی باید او را وادار به استعفای خود کند؟ آیا باید اخراج شود؟ آیا برکناری او برای جبران آن هفت کودک مرده کافی است؟

با توجه به وقایع اخیر در کشورشان، تصور اینکه افغانها حتی به احساسات اعلام شده ژنرال یا سرنوشت او توجه کنند ، دشوار است. در مورد مردم آمریکا ، اکثر ما به راه خود ادامه داده ایم. افغانستان دیروز همینطور است .

و این را ، اجازه دهید پیشنهاد کنم ، یک مشکل است. با توجه به گستردگی کوتاه مدت توجه ملی ما ، آمریکایی ها از یک "اشتباه وحشتناک" با پیا پیا مد های بسیار بزرگتر چشم پوشی می کنند. من به وجود CENTCOM اشاره می کنم . که:

توسط رونالد ریگان در سال 1983 ایجاد شد ، در حال حاضر این خود یکی از «11» فرمان رزمنده" یا نهاد دستوردهنده پنتاگون است که به معنای واقعی کلمه جهان را در بر می گیرد ، حتی به بزرگترین فضا های بیرونی و فضای مجازی نیز گسترش می یابد. منطقه مسئولیت زمینی (AOR) CENTCOM شامل 20 کشور است که در سراسر خاور میانه بزرگ گسترده شده اند (و اخیراً اسرائیل را نیز شامل می شود) . وب سایت فرماندهی جزئیات را بیان می کند: چهار میلیون مایل مربع که بیش از 560 میلیون نفر از 25 گروه قومی در آن زندگی می کنند و به سنت های مذهبی بی شماری پایبند هستند و به 20 زبان به همراه تعداد زیادی گویش یا دایکت محلی صحبت می کنند به خودی خود ، اگرچه تنها یکی از جمله آن (11) فرمان یا مرکز دستورالعمل است ، اما در حال حاضر قلمرو ابعاد آن بیشتر در حال گسترش ویا امپراتوری است .

بر اساس بیانیه وظیفوی و ما موریت خود ، این فرماندهی یعنی «سنتکوم» « عملیات و فعالیت های نظامی را با متحدان و شرکای خود جهت افزایش امنیت و ثبات منطقه در حمایت از منافع پایدار ایالات متحده" هدایت و قادر می سازد " که در سراسر آن منطقه وسیع با وجود این که امنیت و ثبات ممکن است آرزو های اسمی CENTCOM را توصیف کند ، اما هدف واقعی آن کاملاً متفاوت است. در واقع ، هدف ضمنی کل مجموعه فرماندهی رزمندگان تأیید برتری آمریکا است CENTCOM برای نشان دادن ضرورت پایدار "رهبری جهانی" آمریکا وجود دارد که به صورت نظامی مستقیم ویا درود از طریق تعهدات امنیتی ، شبکه ای گسترده از پایگاه های خارجی ، برنامه ها و قابلیت های احتمالی ، خم و شل شدن عضلات یا ماهیچه ها و امکان همیشه در حال حاضر بیان شده است . که پنتاگون آن را با طفره رفتاری به عنوان "عمل جنبشی" یاد می کند .

در دهه های اخیر ، این فرماندهی رزمی خاص بیش از سایر فرماندهی ها توجه را بسوی خود جلب کرده است - و دلیل خوبی هم دار چونکه حوزه مسولیت «AOR» . آن عرصه ای را تعریف می کند که برتری آمریکا در آن به شدت مورد بحث قرار میدهد و در محدوده وسیع CENTCOM ، خود سرنوشت امپراتوری آمریکا را پس از

جنگ سرد تعیین و در مورد آن تصمیم میگیرد - یا که در واقع ، ممکن است قبلاً تصمیم گرفته شده باشد .

روزی ، یا احتمالاً دهه ها بعد ، یک مورخ جاه طلب تاریخ انتقادی فرماندهی مرکزی ایالات متحده این دوران را منتشر خواهد کرد . و کتاب بزرگی خواهد بود و داستان مهمی را روایت خواهد کرد . هر چند یک چیز قطعی است . هر آنچه که این نویسنده تصمیم بگیرد عنوان کتاب خود را انتخاب کند ، عبارت "امنیت و ثبات" را شامل نمی شود . این که ممکن است اشاره ای به "سقوط و سقوط" داشته باشد ، یک احتمال متمایز است . به هر حال ، CENTCOM جایی است که امپراتوری آمریکا شروع به خامی و ناپختگی و شکستن کرد .

فرمان پنتاگون همچو ادلس (اتومبیل) که بازار نیافت:

از زمان تا سپس سنتکوم تا حال «14» جنرال و دریا سالار این نهاد را مدیریت کرده اند و از رخدادهای «11» سپتامبر به بعد ده نفر این نهاد را مدیریت کرده اند که از جمله در ماه مارچ سال (2019) جنرال مکنزی به حیث دایرکتر این نهاد انتصاب شد که تاکنون این نهاد را مدیریت میکند و البته که من هیچ تردیدی ندارم که هر یک از این افسران با هوش سخت کوشا ؛ و وطنپرست و وظیفه محوله خود را پیش نبرده باشند یا که مصد ر خدمات سترگی نشده باشند ولی به یک استثنا که خدمات هیچ یک از آنها بجای نرسید و یا به پختگی نرسیدند .

این استثنا قاعده و یا قانون را ثابت کرد: ژنرال **H. Norman Schwarzkopf** ، که فرمانده CENTCOM در طول جنگ خلیج فارس در سال 1991 بود . به محض اینکه تیراندازی در آن کمپین کوتاه متوقف شد ، شوارتسکف وقت خود را برای کناره گیری و گذاشتن اوراق بازنشستگی از دست نداد . این تصمیم یک تصمیم زیرکانه بود . او بدین ترتیب از عواقب ناگواری که عملیات طوفان صحرا را به چیزی غیر از پیروزی قاطع در ابتدا تبدیل کرد ، فرار کرد .

برای لحظه کوتاهی که در کنار **گتیسبورگ** در مجموعه ای از پیروزی های ارتش آمریکا ثبت شد ، امروز طوفان صحرا در نبرد زمانی معروف و در حال حاضر فراموش شده **خلیج مانیل** در 1898 قرار می گیرد . درست است ، **کمودور دیویی** کار کوتاهی از ناوگان اسپانیایی در آنجا انجام داد ، فقط همانطور که شوارتسکف با ارتش عراق صدام حسین انجام داد . با این حال "جنگ طولانی" متعاقب آن که در نهایت فیلیپین را آرام کرد ایالات متحده را با جایزه ای از ارزش استراتژیک مشکوک درگیر کرد . تقریباً همین حکم در مورد طوفان صحرا صدق می کند . آزادسازی **کویت** تحت اشغال عراق در سال 1991 منافع ملموسی برای ایالات متحده نداشت .

اعتراف **هریکاز** فرماندهان سابق CENTCOM ، هر چند که دردناک باشد ، اما وجود این سازمان همزمان با و خاسته از سرسام آور امنیت و ثبات منطقه ای در سراسر خاورمیانه بزرگ بوده است . فروپاشی وحشتناک تلاش های جنگی ایالات متحده در **افغانستان** 20 سال پس از آغاز آن تنها به تأکید بر این نکته کمک کرده است . این که آیا به دلیل یا به رغم تلاش های ایالات متحده وضعیت بدی پیش رفته است ، می توان

محل بحث بود. با این وجود، نیت واشنگتن یا پنتاگون هر چه باشد، وضعیت در حوزه مسولیت (AOR) سنتکوم از سال 1983 به بعد بسیار خطرناک تر شده است. در واقع، CENTCOM به پنتاگون فرمان می‌دهد که خودروی «اتومبیل» آینده فوراً در دهه 1950، Edsel «اتومبیل بازار نیافته»، برای خودروها بود آیا می‌توان این سوال را مطرح کرد که اگر CENTCOM یک شرکت سود محور بود، مدتها پیش شکم خود را بالا برده بود یا که سیر کرده بود؟

بنابراین بین‌هنگامی که اعضای کنگره و رسانه‌ها سعی می‌کنند ریشه‌های نابسامانی افغانستان را کشف کنند، ممکن است این پیشنهاد را در نظر بگیرند: شاید مشکل نه در ژنرال مک‌کنزی یا قطار طولانی او از پیشینیان بلکه در کارهایی است که فرماندهان در اولین بار متهم به انجام آن بودند. محل آنها باید این احتمال را در نظر بگیرند که از همان ابتدا، سران CENTCOM در یک شرکت کاملاً ناسازگار مشغول بودند. اگر واقعاً چنین است، اقدامات اصلاحی باید چیزی بیشتر از جایگزینی مک‌کنزی با افسر دیگری باشد که ناگزیر از همان پارچه بریده شده است.

به بیان ساده، اولین «اشتباه وحشتناک» ایجاد CENTCOM و در نتیجه نظا می‌سازی سیاست آمریکا در خاورمیانه بزرگ بود یا تمدید، یک گام ضروری برای جلوگیری از حوادث بیشتر به سبک افغان آشکار است: واشنگتن باید به سادگی آن فرماندهی جنگنده را به طور کلی لغو کند.

به عبارت دیگر، CENTCOM باید راه «Edsel» را طی کند. لوگو «سمبول» و پچ را کنار بگذارید. شعار - «برتری مداوم» - را به برخی از آژانس‌های فدرال دیگر (خدمات پستی؟) که شدیدا نیاز به الهام دارند وصیت کنید. مجموعه پلاک‌ها، تروفی‌ها یا غنایم و سایر تچتک‌های «هدیه‌های کوچک» فرمان را به آرشیو ملی ارسال کنید تا فهرست بندی، ذخیره و فراموش شوند. مجتمع مرکزی CENTCOM، واقع در تمپا، فلوریدا، در چند منطقه زمانی دور از حوزه مسولیت AOR، به چیزی که فوراً مورد استفاده قرار می‌گیرد - شاید تسهیلاتی برای ارزیابی بدتر شدن الگوهای آب و هوایی منطقه ای فراهم کند.

فوراً بدون Edsel بسیار خوب کار کرد. اینکه ایالات متحده و کل خاورمیانه بزرگ می‌توانند بدون CENTCOM بسیار خوب کنار بیایند، یک فرضیه است که ارزش آزمایش دارد. اما مرحله شماره یک باید به لغو خود فرمان باشد.

دادن صلح - یا چیزی شبیه به آن - یک شانس:

طراح ایجاد CENTCOM معتقد بود که ایالات متحده منافع در خلیج فارس دارد که ارزش جنگیدن برای سنتکوم را دارد. مسلماً در شرایط زمان قابل درک است - در اواخر جنگ سرد، اقتصاد آمریکا وابسته به نفت وارداتی بود - این قضاوت نادرست نسبت‌های حمایتی بود.

امروزه ایالات متحده دیگر به نفت خارجی وابسته نیست. در عوض، با یک نیاز فوری برای کنار گذاشتن کامل خود از سوخت‌های فسیلی مواجه است. هیچکدام از اینها نشان نمی‌دهد که واشنگتن دیگر هیچ منافع در حوزه مسولیت سنتکوم ندارد. در حالی که هنوز علایق خاصی وجود دارد، یک چیز باید به طور فزاینده‌ای روشن

شود: آنها برای جنگیدن ارزش ندارند. در عوض، آنها ارزش صحبت کردن را دارند. به عبارت دیگر، تأمین این منافع باید موضوع دیپلماسی باشد و اقدامات نظامی تنها در شدیدترین شرایط مورد توجه قرار گیرد".

امنیت و ثبات منطقه ای"، عبارت موجود در بیانیه ماموریت CENTCOM، این منافع را به زیبایی توصیف می کند. تبدیل وزارت خارجه به جای پنتاگون به عنوان سازمان اصلی در پیگیری این اهداف، رویکرد کاملاً متفاویتی را در پیش رو خواهد داشت. برای مدت طولانی، سیاست ایالات متحده در خاور میانه بزرگ با محاسبه اشتباه بی پروایی مشخص شده است. از این پس، در دوران پس از CENTCOM، ویژگی های بارز آن باید تدبیر، صبر و خویشتنداری باشد.

این چه معنایی می تواند داشته باشد؟

ایالات متحده به جای انتخاب طرف در مناقشات منطقه ای - عربستان در مقابل ایران، اسرائیل در مقابل حماس و حزب الله - باید خود را به عنوان یک کارگزار واقعاً صادق جایگزین کند. به جای اینکه برخی کشورها را به خاطر نقض حقوق بشر و صدور مجوز به برخی دیگر سرزنش کند، باید همه آنها (و خودش) را در یک استاندارد مشترک نگه دارد. به جای ارسال سیل با سلاح های پیشرفته به منطقه، از نفوذ خود برای کاهش انتقال سلاح استفاده کند. به جای اینکه به طور گزینشی با اشاعه هسته ای مخالفت کند، باید این کار را به طور مداوم در همه زمینه انجام دهد. به جای پراکندگی نیروهای آمریکایی در منطقه، باید تعداد پایگاه های را که در آنجا نگهداری می کند به شدت کاهش دهد. حداکثر دو مورد کافی است: پایگاه هوایی در قطر و تأسیسات دریایی در بحرین.

ایالات متحده در مجموع باید مشخصات نظامی منطقه ای خود را تقریباً به همسان قبل از ایجاد CENTCOM کاهش دهد. و در آینده، سیاست واشنگتن این باید باشد که درگیری ها را خنثی کند، نه این که آنها را دامن بزند و مطمئناً در آن زمان متمایل به طرف مشارکت نشود. من پیشنهاد نمی کنم که نسخه های ذکر شده در بالا یک طرح جامع برای "صلح در زمان ما" ارائه دهد. من پیشنهاد می کنم که زمان آن رسیده است که تقویت شکست را متوقف کنید. با تکیه ضمنی خود به اجبار به عنوان بیان پیش فرض سیاست ایالات متحده در خاور میانه بزرگ، CENTCOM به طور برگشتناپذیری شکست خورده است.

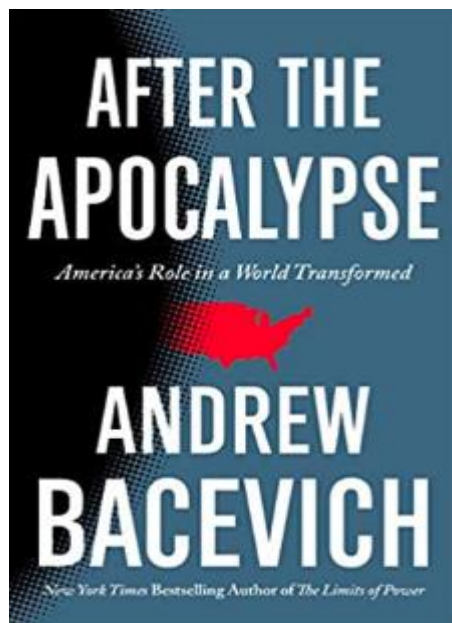
اگر سیاست گذاران - از رئیس جمهور بایدن شروع کنند - تصور می کنند که ایالات متحده به نوعی "وظیفه رهبری" را بر عهده دارد، در این صورت باید تصور مجدد کنند که رهبری واقعاً به چه معناست. از این نظر، درسهای دهه های اخیر بدون ابهام و غیرقابل انکار است. کشورهای متجاوز و اشغالگر بی نتیجه بوده است. ترور، شکنجه و بازداشت نامحدود بدون محاکمه نیز وجود ندارد. در مورد تغییر رژیم و ایجاد ملت: هر دو هزینه های هنگفتی را متحمل شده اند (بیش از 2.3 تریلیون دلار تنها برای جنگ افغانستان)، در حالی که هیچ کدام به اندازه نتایج وعده داده شده چیزی کم رنگ به بار نیآورده اند.

آخرین "اشتباه وحشتناک"، برای استفاده مجدد از عبارت وزیر دفاع، آستین، مربوط به پس از جنگ سرد است، زمانی که ایالات متحده به نوعی از مسمومیت خود تسلیم شد: توهّمات امپریالیستی که با شیفته شدن در نیروی نظامی تقویت شده بود. اکنون این فرصت برای تغییر مسیر فراهم شده است. با توجه به اینکه امنیت و رفاه مردم آمریکا مستلزم حفظ فرماندهی منطقه ای ارتش ایالات متحده نیست، زیرا تصور می شود سرنوشت 560 میلیون نفر از ساکنان 21 کشور مختلف تعیین شود، ممکن است راهی برای به دست آوردن متانت ارائه دهد. به هر حال، بهبودی با برداشتن اولین قدم آغاز می شود.

TomDispatch را در توییتر دنبال کنید و در فیس بوک به ما بپیوندید. جدیدترین کتابهای دیسپاچ، رمان دیستوپی جدید جان ففر، (Songlands آخرین رمان در سری (Splinterlands، رمان بورلی گولوگورسکی هر بدن داستان دارد، و یک ملت ساخته نشده توسط جنگ تام انگل هارت، و همچنین آلفرد مک کوی در سایه ها را ببینید. قرن آمریکا: ظهور و افول قدرت جهانی ایالات متحده و جان داور کتاب قرن خشونت آمیز آمریکایی: جنگ و ترور از جنگ جهانی دوم

چند سطر در مورد نویسنده

اندرو باسویچ، یک عضو ثابت TomDispatch، رئیس موسسه Quincy for Statecraft است. کتاب جدید او، پس از آخرالزمان: نقش آمریکا در جهانی متحول شده، به تازگی منتشر شده است.



با تقدیم احترام «04-10-2021»